

رفتارهای کلامی و غیر کلامی این گروه مؤید جهانبینی فلسفی سکولار ناظر بر جدایی دین از سیاست آنهاست.

اصل فرمی تضاد در صحنه‌هایی از فیلم بهمثابه شگرد سبکی-روایی متناسب با تم مقابله خیر و شر در بافت کلی آن به کار رفته است. برخی از عناصر سبکی فیلم روز واقعه با کارکردی چندگانه از ابتدا تا انتهای فیلم هماهنگی و تناسب خوبی با فرم کلی فیلم ایجاد میکنند. مثلاً تمهید لباس، کارکردهای متعددی در فیلم دارد. در صحنه‌های از سکانس عروسی، در پیشزمینه تصویر، دو رقصنده سرخپوش، در نبرد نمادین با شمشیرهای چوبی دور آتش مشغول اجرای نمایشند. تدوین موازی پخش خبر قتل در کوفه، فضای شاد عروسی را بحرانی میسازد. در این صحنه از فیلم، میزانشن، بین کنش روایی و تم صحنه، همافزایی به وجود می‌آورد. رنگبندی هدفمندی نیز در لباس رقصندگان قرمزپوش دیده میشود. رنگ قرمز از یک سورنگی بسیار گرم و مناسب مجلس عروسی است و از سوی دیگر، رنگ قرمز به معنای تهاجم، با هدف صحنه‌های نبرد نمایشی چوب و رسیدن خبر درگیری در کوفه هماهنگی دارد. در سکانس عاشورا، سازهای کوبه‌ای و بادی، به‌عنوان عناصر میزانشن، بر تم جنگ و حماسه تأکید دارند. در بزم عروسی، حضور سایه‌های پیوسته و افکنده در صحنه، کنتر است نوری به وجود می‌آورد. حضور سایه‌ها در عروسی عبدالله با انگیزه‌های ساختی و واقع‌گرا، کارکردی روایی دارد. شور و نشاط عروسی، توأم با حضور عینی سایه‌هاست. همانطور که فضای شاد عروسی با تعلیق و تنش ناشی از اخبار خونین کوفه عجین شده است، عروسی و سایه‌ها معنای آشکار و شادی توأم با تعلیق و نگرانی، معنای تلویحی آن است.

نوع و رنگبندی لباس شخصیتها در پیرنگهای فرعی سربریدن شتر، محاصره عبدالله توسط برادران راحله، لشکر راه گم کرده بنی خبیره در طوفان، راهزنان کاروان، شباهت زیادی با لباس حرامیان کوفی در سکانس عاشورا دارد. این تمهید سبکی، معنای دلالتگر دیگری از شبکه فرمی روایتگری فیلم را روشن میسازد: تقابل خیر و شر مفهومی ابدی و ازلی در این جهان است. شاید مفهوم سخن کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا از این جهت باشد که موقعیت مواجهه حق و باطل در قیام عاشورا و مفاهیم موجود در این موقعیت به تمام موقعیت‌های تاریخی مشابه در همه دورانها و زمانها قابل تعمیم است.

### عناصر تکرار شونده میزانشن‌های فیلم

اسب و شمشیر به طور پیوسته دو عنصر تکرار شونده میزانشن‌های فیلم است که در ابتدا از سوی زید و راحله به داماد اهدا میشوند. این دو عنصر، درونمایه‌های از سفر و نبرد را در خود دارند. موسیقی فیلم با ریتم حرکت و کنش در نماها و صحنه‌ها کاملاً هماهنگ است و حس عاطفی حاکم بر صحنه و چهره شخصیتها را القا میکند.

قهرمان اسطوره براساس هنجارهای درونی روایت، ندهایی از قلمرو اسطوره میشوند: «در وادی وحشت، فردا، مسیح بر صلیب می‌رود»، «کجاست یار یکننده‌های که مرا یاری کند؟» ندهایی که در واقعیت جهان داستانی فیلم و رؤیاهای شبانه به قهرمان میرسد، نقشمایه تأثیر گذار برآمده از درونمایه ماجرای تاریخی عاشورا است. این موتیف در ساختار روایی فیلم در اشتیاق قهرمان برای جستجوی حقیقت، عزیمت به سوی قلمرو حادثه و دیدار با اسطوره اصلی کارکرد پیدا میکند.

### توازی‌های زیبایی‌شناسانه و پیرنگ‌های شعر گونه

انتقال نمای آخر سکانس عروسی به شروع سکانسهای سفر، با نیروی شدیدی صورت می‌گیرد. زمانی که برادر بزرگ راحله، وجوب ریختن خون عبدالله را در جمع مهمانان مؤکد میسازد: «او زنده نمی‌ماند. او قیمت چنین جسارتی را با خون خود میدهد»، در شروع نمای بعد، شاخه درخت نخل با ضربه شدیدی قطع و عبدالله در پسزمینه این نما به تاخت نزدیک میشود. در یک برونبرش، نمایی از سربریدن شتر و سپس نمای معرف از بادپهنشنان صحرا که در حال تقسیم گوشت شتر هستند، میزانشن و تم صحنه‌های هماهنگ از جنبه روایی، سبکی و تماتیک با خط کنش اصلی فیلم به وجود می‌آورد. روایت کلاسیک روز واقعه با برونبرش به این نما، یک تشابه، لاقط گرافیکی، با یکی از رویدادهای خط اصلی در پیرنگ داستانی فیلم ایجاد میکند. ویژگیهای مردمشناسانه و جغرافیای دوره تاریخی وقوع ماجرای فیلم، واقعیت این رویدادها را باورپذیر میکند. تقسیم غنایم در موقعیت‌های نمایشی مربوط به آن در روز واقعه به صورت تشابه و تکرار در چند صحنه از پیرنگهای فرعی، بسان قافیه‌های شعر، دیده میشود. به این ترتیب، اصول فرمی تشابه، تکرار، خالق توازی‌های زیبایی‌شناسانه‌ای در فیلم شده است.

وجه غالب در سیستم فرمی روز واقعه، جستجوی اسطوره وار حقیقت و تغییر فراینده در شناخت قهرمان است. خلق معانی ضمنی بهمثابه شگرد تأثیر گذار و آشنا نیز دایرکننده، فرم فیلم را کمی دشوار میسازد. شگردهای سبکی در ایجاد این فرم دشوار بزا نقش ایفا میکنند. لذا، روز واقعه، اثری کلاسیک و روایت محور است و سطح تماتیک آن عمدتاً ماهیتی ایدئولوژیک و ضمنی دارد. گفتگوی شترداران پیرامون حسینینعلی و عطر گل‌های ایران، تقابل ایدئولوژی پایه فیلم را با سبک فلسفی سکولاریسم مطرح میسازد. این شترداران در تعامل کوتاهی که با حسینینعلی و کاروانش داشتند، وضعیت بحرانی پیشوای مسلمین در ارتباط با نظام سیاسی حاکم را در مییابند، با امام مسلمین نماز میگزایند، معجزه این خاندان را به‌عینه میبینند، چون شیر شتران ایشان بر اثر دعای حسینینعلی زیاد شده است، اما دغدغه اصلی ایشان دنیای خودشان است و لذا

بصری فیلم به صورت آشکار و پیوسته انعکاس یافته‌اند و موتیف‌هایی از جنس فیگورها و اشیا که مدام به صورت فرمال تکرار میشوند، مثل اسب، شمشیر، شتر، نخلستان، سر بریده، خون، دستهای بریده، چاه آب، بیابان، کاروان، مویه عزاداری. همه این موتیفها با انگیزه واقعگرای تاریخی، انگیزه ساختی خود روایت و انگیزه واقع‌گرایی در جهان داستانی فیلم، از درونمایه حادثه تاریخی عاشورا برخاسته است و ساختارهایی تکرار شونده و شعرگونه‌اند.

### نشانه گذاری حوادث مهم

روز واقعه مثل آثار کلاسیک، در افتتاحیه خود کیفیتی آینده‌نگر دارد، چه در فلاشکهای ابتدای فیلم که شخصیت‌های مهم روایت را به بیننده معرفی میکند و چه در نام فیلم که آشکارا از وقوع رویدادی عظیم خبر میدهد. فونت سفید عنوان فیلم با شعله‌های آتش به رنگ سرخ در می‌آید. در فلاش‌بک آرامگاه، بیان خصلتهای قهرمان، نشانه‌گذاری روایت برای توجیه رفتارهای او در موقعیت‌های مختلف است: او بنده خداست؛ عبدالله پسر ایوب؛ نام ایوب، تداعیکننده اسطوره صبر و استقامت در تاریخ ادیان ابراهیمی است. خصلتهای قهرمان در روایتگری روز واقعه بهمثابه شگردهای روایی، کارکرد مهمی در زنجیره سبکی فیلم دارند. مثلاً معرفی قهرمان در صحنه‌های افتتاحیه فیلم بر مفاهیمی تأکید دارد که در طول روایت کارکرد دارند و کنشها را پیش میرند. عبدالله تیم، بنده مصلحت نیست، نه ترسو است و نه سودپرست، آسیایی دارد که به رنج خویش ساخته است. او طاقت خود را بین دو سنگ آسیاب میبیند و گمشده آمانیاش را در وجود حسینینعلی.

در مسیر کاروان عروسی، تکه پارچه‌ای که از سوار سبزه‌پوش میافتد، بیرقی خونین بهمثابه نشانه عینی از حوادث خونین کوفه است. تدوین موازی نبرد چوب رقصنده‌های قرمزپوش، با صحبت‌های درگوشی حاضران و ایجاد حالت نگرانی در چهره زید، عبدالله و شیوخ مجلس، وقوع حادثه مهمی نشانه‌گذاری میشود. گرافکنسی در روایت، بر اثر ایجاد شبیه در شخصیت حسینینعلی توسط برخی از مهمانان، شکل میگیرد. خط روایی با چند نشانه‌گذاری به تدریج به اوج بحران در اجتماع شیوخ مجلس عروسی میرسد. بروز این بحران با کشتار شدن موسیقی بزم عربی در لحظات پیچیدن خبر قتل در مجلس شدت مییابد. برخی از مهمانان دلیل عزیمت حسینینعلی به کوفه را قیام به عدل و نهی از منکر میدانند.

اما شیوخ مجلس با طعنه از حسین دیگری میگویند که به راه دنیا رفته است. روایتگری روز واقعه قبلاً در بخش معرفی، این انتظار را در بیننده به وجود می‌آورد که عبدالله کسی نیست که نسبت به ابهام در حقانیت مقتدای دینی آرام بنشیند. اشتیاق قهرمان برای یافتن حقیقت و تعجیل او برای ملاقات با حسینینعلی، تحرک روایی زیادی در فیلم ایجاد میکند.



**در صحنه‌های از سکانس عروسی، در پیشزمینه تصویر، دو رقصنده سرخپوش، در نبرد نمادین با شمشیرهای چوبی دور آتش مشغول اجرای نمایشند. تدوین موازی پخش خبر قتل در کوفه، فضای شاد عروسی را بحرانی میسازد. در این صحنه از فیلم، میزانشن، بین کنش روایی و تم صحنه، همافزایی به وجود می‌آورد**